

پدیده کودکان خیابانی؛ علت ها و راهکارها



عکس: [dellkade.wordpress](http://dellkade.wordpress.com)

پدیده کودکان خیابانی یک پدیده جهانی و منطقه ای است که ایران نیز با این پدیده و آثار ویرانگر آن روبرو است؛ کودکانی که به دلایل گوناگون نقش حمایتی و نظارتی خانواده را به عنوان نهاد و واحد اصلی اجتماعی، از دست داده اند و در انتظار کمک نهادهای دولتی و غیر دولتی هستند.

پدیده کودکان خیابانی؛ علت ها و راهکارها

اگر بخواهیم تصویر روشنی از کودکان خیابانی به دست آوریم، باید در آغاز این پدیده جهانی را که پیامدهای زیان بار برای جامعه داشته و دارد، تعریف کنیم. مناسب ترین تعریف در این زمینه را صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل 'یونیسف' ارایه کرده است.

بر مبنای تعریف یونیسف، کودکان خیابانی به افراد زیر 18 سال گفته می شود که در خیابان از راه گدایی، بزهکاری، دستفروشی و دیگر شغل های (کاذب) کار و 'امرار معاش' می کنند و بسیاری از آنان بی سرپناه محسوب می شوند.

به سخن دیگر، کودکان خیابانی کسانی هستند که خیابان محل کار و مکان گذران زندگی آنها است و بیشتر وقت و عمرشان در خیابان سپری می شود یا هدر می رود زیرا خانواده و جامعه به خوبی از آنان حمایت و نگهداری نکرده است.

شماره از این کودکان حتی در دام افراد سودجو و باندهای بزه کار و مورد سوء استفاده ی آن ها قرار گرفته اند. این نکته و پیام را دست اندرکاران مجموعه تلویزیونی 'آوای باران' که به تازگی و هر شب از شبکه ی سوم سیما پخش شد، به مخاطبان منتقل کردند.

علت های پدیده کودکان خیابانی

بدون تردید، هر یک از ما با کودکان خیابانی رو به رو شده ایم. در خیابان، چهار راه، مترو، اتوبوس، پایانه های بار و مسافر، فرودگاه، مکان های زیارتی و گردشگری، کودکانی کم سن و سال دیده ایم، با چهره معصومانه که در گرمای تابستان و سوز زمستان، بسته جوراب، خمیر دندان، جعبه ی واکس یا برگه های فال را در دست دارند و ملتسمانه یا با اصرار از ما می خواهند که از آنها خرید کنیم.

هنگامی که این کودکان را می بینیم 2 احساس و درک متفاوت به ما دست می دهد: احساس دلسوزی و ترحم و دیگری احساس ناراحتی، نگرانی و حتی خشم که چرا این کودکان باید در این سن به کار اجباری مشغول باشند؟ چرا بچه هایی که باید در کلاس درس روی صندلی ها یا پشت نیمکت های مدرسه باشند رنگ تحصیل و آموزش را نمی بینند و به حال خود رها شده اند.

از دیدگاه روانشناسان و کارشناسان امور اجتماعی، کودکان خیابانی وقتی بزرگ تر شدند یا افسرده و منزوی می شوند یا خشونت و رفتار ناهنجار را سرلوحه عمل فردی و اجتماعی خویش قرار می دهند. آنان، طعمه ای مناسب و تازه برای باندهای تبه کار هستند که به راحتی شکار می شوند. کودکان این چینی مدتی در خیابان، مدتی در آن باندها و گروه ها کار می کنند و در نهایت اگر کسی یا نهادی به کمک آنها نیاید سر از ندامتگاه و زندان در می آورند.

یکی از علت های اصلی گسترش پدیده کودکان خیابانی، شکاف طبقاتی و فقر اقتصادی است که این کودکان و خانواده ی آنان با آن دست و پنجه نرم می کنند. فقر خانواده ها باعث عقب ماندگی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و آموزشی پدر و مادر این کودکان و خود

آنان می شود.

به همین دلیل اغلب خانواده های این کودکان، هنگامی که بچه هایشان برای کار به خیابان رو می آورند نه تنها با آن مخالفتی ندارند بلکه آنها را تشویق به این کار نیز می کنند. کودکان خیابانی هم متأسفانه تصور می کنند نان آور خانواده هستند در حالی که نمی دانند چه آینده مبهم و تاریکی را برای خود می سازند.

جدایی پدر و مادر (طلاق والدین)، مرگ یکی از آن ها یا هر دو، سرپرستی بد، تربیت نادرست، نبود یا ضعف آموزش، پدیده ی اعتیاد و ... از دیگر علت هایی است که کودکان را از داشتن خانواده به معنای واقعی، بی نصیب می کند و آن ها را برای گذران زندگی به خیابان می کشاند.

علت های یاد شده، پیامدهای منفی تاسف باری را به همراه دارد که به فرار کودکان از خانواده یا حتی فروش آنان به باندهای فحشا، تبه کار و پخش کننده ی مواد مخدر با هدف کسب درآمد منجر می شود.

بعضی از این کودکان، روستایی و شهرستانی هستند که چون خانواده هایشان فرو پاشیده یا غافل شده اند به شهرهای بزرگ مهاجرت و خیابان ها را به عنوان پناهگاه و خانواده ی خود انتخاب کرده اند.

فرار از خانه و مدرسه، دزدی، رفتارهای مجرمانه و بزهکارانه، مصرف مواد مخدر، بی بند و باری جنسی، گرفتار شدن به بیماری ایدز و گسترش آن، نمونه هایی از رفتارها و پیامدهای علت های پیش گفته است که دامنگیر کودکان جامعه و خود جامعه می شود.

بیشتر کودکان خیابانی، ناهنجاری را اغلب در گروه یاد می گیرند و به کار می برند. آنان فرهنگ درون گروهی خاصی دارند و از واژه ها و اصطلاحات غیر متعارف و ویژه استفاده می کنند. کودکان خیابانی در میان خویش از انسجام و اتحاد بالایی برخوردارند اما نسبت به سلامت و آینده ی خود بی تفاوت اند. آنان با جامعه، بیگانه اند، جامعه را نه تنها از خود نمی دانند که در برابر آن قرار می گیرند زیرا جامعه را در ایجاد این شرایط مقصر می دانند.

راهکارها

نهادهای عمومی دولتی و غیر دولتی اگر وظیفه خویش را بدانند و به آن عمل کنند قادرند مانع گسترش پدیده کودکان خیابانی شوند. آموزش کودکان به ویژه در مناطق محروم، هماهنگ کردن سیاست های کلی برخی سازمان های مسوول همچون سازمان بهزیستی، کمیته امداد، نیروی انتظامی و شهرداری، تدوین قوانین مناسب برای حمایت از حقوق کودکان خیابانی و سر و سامان دادن به وضع آنان، ایجاد مکان سکونت شبانه از جمله راهکارها به شمار می رود.

آسیب شناسی، آموزش کارهای فنی و حرفه ای به کودکان خیابانی، مطرح کردن مشکل و مساله آنان در صدا و سیما، خبرگزاری ها و دیگر رسانه های نوشتاری به شکل کارشناسانه، حساس کردن مردم و خانواده ها نسبت به سرنوشت و آینده کودکان، پشتیبانی و حمایت های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از کودکان و خانواده هایشان به وسیله سازمان های غیر دولتی و نیکوکار از دیگر راهکارها برای کمک به حل مشکل کودکان خیابانی است.

همچنین، کوشش و برنامه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی برای ساماندهی کودکان خیابانی، کاستن از آسیب های اجتماعی و ارتقای کیفیت زندگی گروه های آسیب پذیر از مهم ترین راهکارها محسوب می شود.

در این پیوند، علی ربیعی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی به تازگی در گفت و گو با روزنامه شرق، از تشکیل نشست شورای ساماندهی کودکان خیابانی، پس از 8 سال تعطیلی، خبر داد و گفت: نشست ساماندهی کودکان خیابانی، موضوع و مصوبه ی هیات وزیران در سال 1384 خورشیدی است که به زودی در دستور کار این وزارت خانه قرار می گیرد.

وی افزود: در مورد پدیده کودکان خیابانی، توجه به برنامه های اجتماع محور، استفاده از مشورت ها و نظرات نخبگان، بهره گیری از توان آموزشی و فرهنگ سازی نهاد های عمومی و رسانه های جمعی، همراه با تقویت تشکل های مردم نهاد، مد نظر وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی خواهد بود.

سخن پایانی

یکی از شاخص های بین المللی توسعه یافتگی مورد نظر سازمان جهانی بهداشت و نیز 'یونیسف'، چگونگی وضع کودکان در یک کشور یا جامعه است. بر پایه این شاخص، وضع زندگانی کودکان و زنان، از روشن ترین نشانه های توان و میزان پیشرفت یا عقب ماندگی یک ملت و جامعه است.

از نگاه این سازمان ها، اگر در یک کشور و جامعه، کودکان، جوانان و زنان، آسیب پذیر باشند یا به حال خود رها شوند و حقوق شان رعایت نشود، در آن جامعه به حقوق دیگر قشرهای مردم نیز تجاوز می شود و آن کشور آینده خود را در جهان به عنوان یک شریک برابر به خطر می اندازد. در برابر، کودکان، جوانان و زنان قدرتمند و بهره مند از حقوقشان، جامعه ای خوداتکا و مستقل پدید می آورند.

دو نهاد اصلی و مهم، خانواده و جامعه در ایجاد و گسترش پدیده کودکان خیابانی یا ساماندهی به آن، نقش عمده را ایفا می کنند. خانواده، به عنوان اصلی ترین نهاد که کودک در آن رشد می کند اگر به هر دلیل و علت نتوانست وظیفه و نقش حمایتی و نظارتی خویش را ایفا کند، آن گاه انجام دادن این مسئولیت به جامعه (مدرسه، دانشگاه، دولت، دیگر نهادهای رسمی، نهادهای عمومی غیر دولتی و خصوصی، ساختارهای قانونی و...) منتقل می شود تا از کودکان پشتیبانی و آنان را ساماندهی کند.

در این صورت، هیچ گونه فضایی برای جولان باندهای تبه کار و ویرانگر جامعه به وجود نخواهد آمد و می توان امیدوار بود که کودکان به جای طی کردن مسیر اشتباه، بتوانند فرد مفیدی برای خانواده و جامعه باشند و در مسیر پیشرفت کشور گام بردارند.

11 بهمن 1392

منبع: <http://goo.gl/dKHsWF>